



سجاد آذری نجف آبادی
پژوهشگر و تحلیل‌گر حقوق و جامعه آمریکایی
همکار در اندیشکده مطالعات آمریکا

چالش‌های جامعه زنان آمریکا

زندگی سخت زنان آمریکایی به روایت آمار و ارقام

مسائل و مشکلات جدی زنان در جامعه آمریکا

زنان در جامعه آمریکای در حال افول
افزایش خودکشی، فقر، خشونت خانوادگی، آزار و اذیت جنسی، نژادپرستی، عدم حضور در قدرت، گرفتاری در فمینیست، نداشتن خدمات درمانی، مردسالاری، عدم دسترسی به فرصت برابر، افزایش نرخ مرگ و میر مادران، لشکرکشی برای عادی‌سازی زن‌ستیزی و اقتصادی که برای زنان کار نمی‌کند، بخشی از مشکلاتی است که زنان امروز ایالات متحده، گرفتار آن هستند. میزان خودکشی در ایالات متحده در حالی از سال ۱۹۹۹، ۳۰ درصد افزایش یافته که بر اساس آمارها، تعداد زنان و دخترانی که در این کشور جان خود را می‌گیرند، به شکل قابل توجهی بیشتر از مردان و پسران است. حال با وجود اینکه دلیل دقیق افزایش میزان خودکشی زنان مشخص نیست اما نظریه‌هایی

در این زمینه وجود دارد؛ علاوه بر خشونت علیه زنان، از دیگر مسائل مهمی که زنان در جامعه ایالات متحده با آن روبرو هستند، مشکل دریافت خدمات بهداشتی به خصوص خدمات بهداشت روان است. در این شرایط و با وجود اینکه در طول سال‌های گذشته، سلامت زنان از موضوعات اولویت‌دار در این کشور بوده، بودجه مراقبت‌های بهداشت روانی حتی با گذشت زمان در ایالات متحده، کاهش نیز یافته اما تقاضا همچنان در حال افزایش است. تمام چالش‌ها و فشارهای اجتماعی وارد شده بر زنان، در سلامت روانشان نیز تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را در معرض خطر خودکشی قرار می‌دهد. برخی از این فشارها که در مورد افزایش خطر خودکشی نیز مؤثر هستند، شامل خشونت خانگی، آزار و اذیت جنسی، نژادپرستی و نابرابری اقتصادی هستند. البته مشکلات زنان آمریکایی تنها به این مسائل محدود نمی‌شود و شخصیت‌های این کشور، مسائل مختلفی را در خصوص مشکلات جامعه ایالات متحده برشمرده‌اند که در ادامه، به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود؛ «کمبود زنان در میز قدرت»، موضوعی است که کاملاً هریس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، مشکل زنان امروزی در ایالات متحده می‌داند. «کمبود زنان در مناصب قدرت»، اظهار نظر مشابهی است که امی کلپوچار، سناتور دموکرات مینه‌سوتا در خصوص مشکل زنان آمریکایی اعلام کرده است. «مردسالاری» را نیز کیشا بلین، استاد تاریخ دانشگاه پیتمبورگ و رئیس انجمن تاریخ خردمندی

لاتین تبارها ۱۸.۱ درصد از کل زنان ایالات متحده هستند، ۲۷.۱ درصد از زنان فقیر این کشور را تشکیل می دهند. به همین ترتیب، در حالی که زنان سیاه پوست ۲۲.۳ درصد از زنان فقیر را تشکیل می دهند که فقط ۱۲.۸ درصد از کل جمعیت زنان ایالات متحده را شامل می شوند مادران مجرد، فقر بالاتری را نسبت به زنان متأهل، دارای فرزند یا بدون فرزند و زنان مجرد بدون فرزند متحمل می شوند. همچنین، در سال ۲۰۱۸، ۱۱.۹ میلیون کودک زیر ۱۸ سال، در فقر زندگی می کردند که این رقم ۳۱.۱ درصد از کسانی را که در فقر زندگی می کنند، شامل می شود.

میزان فقر برای زنان و مردان، تقریباً در تمام دوران کودکی نزدیک به هم است اما این اختلاف در زنان ۱۸ تا ۴۴ ساله، یعنی در سال های باروری اول و دوباره در زنان ۷۵ سال و بالاتر، به طور قابل توجهی افزایش می یابد. در سنین ۲۵ تا ۳۴ سالگی، زنان، ۶۹ درصد بیشتر از مردان هم سن خود، در فقر زندگی می کنند. در حالی که شکاف در نرخ فقر بین زنان و مردان پس از ۳۴ سالگی کاهش می یابد، اما هرگز در طول زندگی آن ها، کاهش نمی یابد و در سنین پیری، دوباره افزایش می یابد؛ در حالی ۱۳.۲ درصد از زنان ۷۵ سال به بالا در فقر زندگی می کنند که این میزان در مردان هم سن آن ها، ۸.۸ درصد است.

اثرات تبعیض جنسی و نژادپرستی در ساختارهای رسمی و در کل جامعه،

در کنار همه این موارد، فقر زنان ایالات متحده را می توان موضوعی دانست که به خوبی می تواند، از واقعیت وضعیت آن ها در آمریکا پرده بردارد. در ایالات متحده، زنان بیش از مردان در فقر زندگی می کنند. بر اساس داده های اداره سرشماری ایالات متحده، از ۳۸.۱ میلیون نفری که در سال ۲۰۱۸ در این کشور، در فقر زندگی می کردند، ۵۶ درصد یا ۲۱.۴ میلیون نفر زن بوده اند. از سوی دیگر، همه گیری ویروس کرونا نیز افراد و خانواده ها را در معرض خطر افزایش فقر قرار داده است، زیرا اکنون، آن ها با ناامنی اقتصادی بیشتری روبرو هستند که علت عمده آن، بیکاری بی سابقه ای بوده که البته به طور نامتناسبی بر روی زنان، تأثیر گذاشته است.

در ادامه به دلایلی که موجب شده تا زنان آمریکایی بیشتر از مردان این کشور دچار فقر شوند، می پردازیم؛ زنان، تقریباً از هر نژاد و قومیتی نسبت به هم تائیان مرد خود، با نرخ فقر بالاتری روبرو هستند اما در این میان، بیشترین میزان فقر را زنان سرخ پوست آمریکایی یا بومیان آلاسکا^۱ زنان سیاه پوست و لاتین تبار تجربه می کنند.

همچنین، به طور نامتناسبی زنان سیاه پوست، لاتین تبارها و زنان بومی آلاسکا در میان دیگر زنان، در فقر بیشتری زندگی می کنند. در حالی که

آفریقایی تبارهای آمریکا، به عنوان مشکل زنان این کشور معرفی کرده اما از نظر ربکا تریستر، نویسنده مجله نیویورک و کات، «تبعیض جنسیتی، نژادپرستی و تبعیض اقتصادی» مشکلات زنان این کشور است؛ «فمینیسم تروما محور»، مشکلی است که کریستینا هاف سامرز، محقق مؤسسه امریکن اینترپرایز، زنان آمریکایی را دچار آن دانسته است. ارتارین کازین، مدیر اجرایی سابق برنامه جهانی غذا سازمان ملل متحد، «عدم دسترسی به فرصت برابر» را مشکلات زنان آمریکایی برمی شمارد. «عدم احترام به مراقبت بهداشتی»، «نظر آن ماری اسلاوت، رئیس و مدیرعامل مؤسسه آمریکای جدید درباره مشکلات زنان آمریکایی است. «نیود هدایت شغلی و نقش مادرانه زنان»، «افزایش نرخ مرگ و میر مادران»، «لشکرکشی برای عادی سازی زن ستیزی» و «اقتصادی که برای زنان کار نمی کند»، از دیگر مسائلی است که شخصیت های آمریکایی در مورد مشکلات زنان ایالات متحده بر شمرده اند.^۱

1. What Are the Biggest Problems Women Face Today?, 2019

آمریکا در یک نگاه

این اختلاف جنسیتی عامل معناداری است که خود را در میزان فقر میان زنان و مردان ۷۵ سال به بالا نشان می‌دهد. گفته شده شکاف جنسیتی دستمزد، توسط عوامل مختلفی به وجود می‌آید که از آن جمله، تفاوت در مشاغل یا صنایع مورد اشتغال افراد، ساعت‌های کاری و سال‌های تجربه است، هرچند تفاوت در شغل یا سطح تحصیلات هم توضیح‌دهنده این فاصله نیست. تبعیض بر اساس جنسیت، نژاد یا قومیت، نقش مهمی در شکاف دستمزد دارد و موجب کاهش درآمد زنان، چه با پرداخت‌های نابرابر و چه به شکل غیرمستقیم از طریق تعصبات ساختاری مبتنی بر جنسیت و نژاد

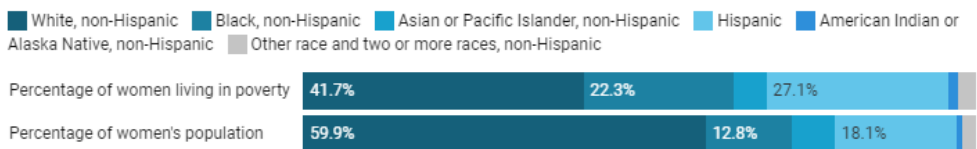
۸۲ سنت درآمد دارند. به ازای هر ۱ دلار درآمد مردان سفیدپوست غیر اسپانیایی تبار، لاتین‌ها ۵۴ سنت، زنان بومی آلاسکا ۵۷ سنت و زنان سیاه‌پوست، ۶۲ سنت درآمد کسب می‌کنند. زنان آسیایی نیز به طور کلی حدود ۹۰ سنت درآمد کسب می‌کنند. باین وجود، زنان متعلق به زیرگروه‌های خاص آسیایی، شکاف دستمزد بسیار بیشتری را تجربه می‌کنند. نه تنها زنان بیشتر از مردان به دلیل شکاف دستمزد جنسیتی در تأمین هزینه‌های روزمره تلاش می‌کنند، بلکه این فاصله در طول زندگی، بیشتر هم می‌شود، به این معنی که زنان در مقایسه با مردان، منابع و پس‌انداز کمتری دارند.

فرصت‌های شغلی در دسترس زنان را محدود می‌کند؛ دسترسی کمتر به حمایت‌های مراقبتی، برنامه‌های عمومی مددکاری اجتماعی و موارد دیگر، منجر به افزایش نرخ فقر در زنان، به ویژه زنان رنگین‌پوست در مقایسه با مردان شده است. برخی از دلایل مرتبط به هم، شامل عوامل زیر هستند:

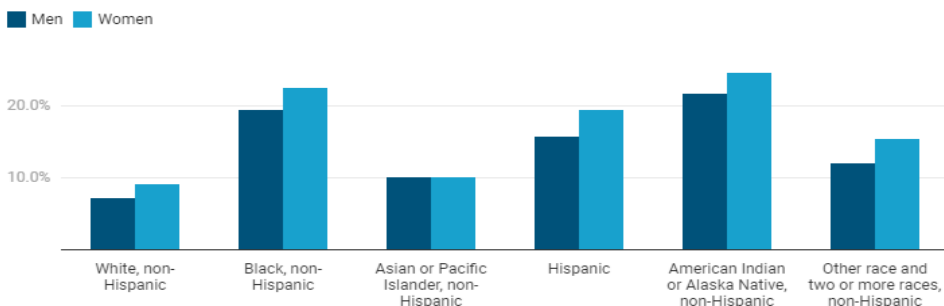
شکاف دستمزد جنسیتی

به طور متوسط، درآمد زنان کمتر از مردان بوده و بیشترین اختلاف دستمزد نیز در میان زنان رنگین‌پوست است. بر اساس داده‌های اداره سرشماری سال ۲۰۱۸ ایالات متحده، زنانی که در تمام طول سال کار می‌کنند، به ازای هر ۱ دلار درآمد هم‌تایان مرد خود، به طور متوسط

U.S. population of women compared with women living in poverty, by race and ethnicity



Poverty rates by gender and race and ethnicity



دلار در ساعت یا کمی بالاتر از آن را دریافت می‌کنند. از سوی دیگر، زنان در مشاغل پردرآمدی مانند مهندسی، کمتر درخواست می‌شوند که بخشی از آن، به دلیل تقاضای این مشاغل برای حضور در دفتر طی ساعات‌های طولانی و عدم انعطاف‌پذیری برای درمان است.

فقدان سیاست‌های حمایتی کار و خانواده

ایالات متحده فاقد سیاست‌های حمایتی از کار و خانواده، مانند اعتبار مالی مناسب برای مراقبت از کودک، یک برنامه ملی مرخصی خانوادگی و پزشکی با حقوق و قانون مرخصی استعلاجی با حقوق است که به زنان، در مدیریت مسئولیت‌های شغلی و درمانی کمک می‌کند. مراقبت قابل اطمینان از کودک - که والدین را قادر به مشارکت در فضای کاری می‌کند - غالباً غیرقابل پرداخت بوده و یافتن آن نیز دشوار است که همین مسئله، می‌تواند به کاهش اشتغال مادران نسبت به پدران منجر شود. ایالات متحده در عدم تضمین دسترسی

تفکیک شغلی در مشاغل کم‌درآمد
 زنان به دلیل قوانین جنسیتی فراگیر، پیش‌بینی درباره مهارت کاری کم آن‌ها و ارزش‌گذاری سیستماتیک کمتر از اندازه کار، به‌طور نامتناسب برای مشاغل خاص به‌ویژه مشاغلی که حقوق کمی دارند، معرفی می‌شوند. این عوامل موجب می‌شود تا زنان، به‌ویژه زنان رنگین‌پوست، در مشاغل با دستمزد پایین به کار گرفته شوند و دستمزدهای پایین، به ویژگی مشخص مشاغل تحت سلطه زنان تبدیل شود. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۱۸، دو شغل از میان مشاغل پرطرفدار زنان، متوسط دستمزد هفتگی نزدیک یا زیر آستانه هفتگی فقر در سال ۲۰۱۸ را که ۴۹۰ دلار برای یک خانواده چهارنفره بود، داشتند. متوسط دستمزد هفتگی زنانی که کارگر مراقبت از کودکان هستند، ۴۹۲ دلار و زنانی که خدمتکار و خانه‌دار هستند، هفته‌ای ۴۵۷ دلار است. زنان، تقریباً دوسوم کارگرانی را تشکیل می‌دهند که حداقل دستمزد فدرال، یعنی ۷.۲۵

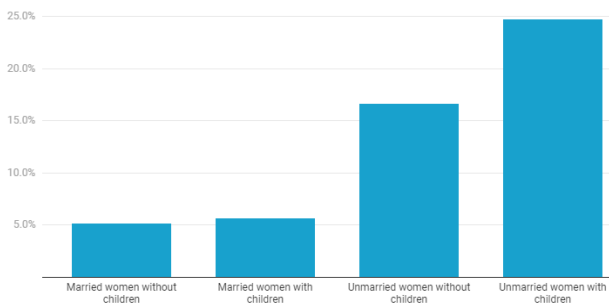
می‌شود و می‌تواند با کاهش مشاغل زنان یا تعداد ساعات کار آن‌ها، تأثیر خود را نشان دهد.

شکاف جنسیتی ثروت

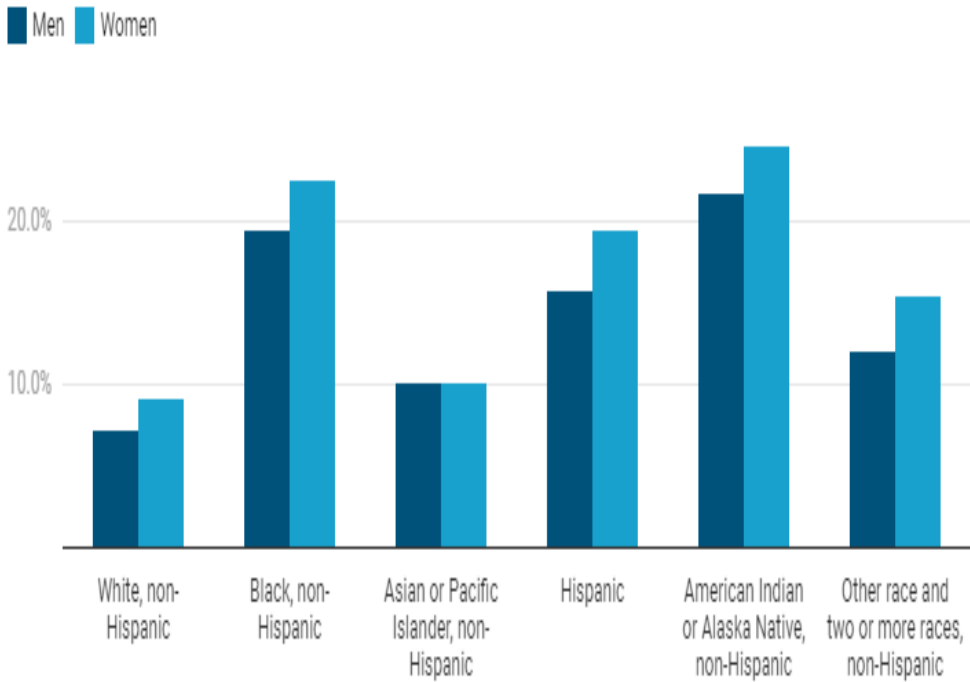
زنان در طول زندگی خود، پس‌انداز و ثروت ضروری کمتری برای تحمل شوک‌های مالی و تأمین هزینه‌های خود و خانواده‌شان دارند. شکاف جنسیتی ثروت، به‌واسطه عوامل متعددی ایجاد می‌شود، از جمله این واقعیت که زنان، درآمد کمتری نسبت به مردان دارند. در ایالات متحده، معمولاً بیشتر از بقیه درخواست وثیقه زن‌ها رد می‌شود و بیشتر از دیگران، به آن‌ها هزینه اضافه تحمیل می‌شود؛ آن‌ها به شکل خاص و به‌واسطه وام‌های فریبکارانه که بدهی‌های بیشتری ایجاد می‌کند، آسیب‌پذیر هستند و در مجموع، با موانع دیگری روبرو می‌شوند که توانایی آن‌ها در ایجاد ثروت و پس‌انداز را تضعیف می‌کند. به‌عنوان مثال، دوسوم بدهی وام دانشجویی ایالات متحده متعلق به زنان است، به‌ویژه زنان سیاه‌پوست، با بدهی بیشتری نسبت به هر گروه دیگری فارغ‌التحصیل می‌شوند. به‌طور متوسط، یک زن سیاه‌پوست در کل، ۳۷۵۵۸ دلار برای تأمین مالی تحصیلات خود قرض می‌گیرد، در حالی که این مبلغ ۳۵۵۶۵ دلار برای یک مرد سیاه‌پوست و ۳۱۳۴۶ دلار برای یک زن سفیدپوست است.

Almost 1 in 4 unmarried mothers with children live in poverty

Poverty rates among women by marital and parental status



Poverty rates by gender and race and ethnicity



به طور متوسط، ۸ میلیون روز کار با حقوق را از دست بدهند. مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد، نشان داد که تقریباً یک چهارم تا کمی بیشتر از نیمی از زنان بی خانمان، گزارش کرده‌اند که خشونت خانگی، علت اصلی این اتفاق برای آن‌ها بوده است.^۱

بیشتر کارهای مراقبت از کودکان، سالخوردگان و معلولان خانواده را انجام می‌دهند، از فرصت‌های اقتصادی کمتری برخوردار هستند و معمولاً به کاهش ساعات کار یا حتی ترک کار مجبور می‌شوند.

خشونت خانگی

خشونت خانگی نیز می‌تواند وضعیت اقتصادی زنان را در ایالات متحده بدتر کند و موجب شود که آن‌ها، سالانه

به مرخصی استحقاقی خانوادگی، پزشکی و مرخصی استعلاجی استحقاقی در میان کشورهای پیشرفته، یک بخش جدا افتاده است، در حالی که آن‌ها به کارگران خود اجازه می‌دهند، زمانی را دور از کار برای بهبود بیماری، مراقبت از یکی از اعضای بیمار خانواده یا مراقبت از کودک تازه متولد شده سپری کنند. بدون این سیاست‌های حیاتی کار و خانواده، زنانی که

1. Robin Bleiweis, Diana Boesch, and Alexandra Cawthorne Gaines, 2020